



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

آقایان علما و اساتید محترم! خیلی خوش آمدید. جلسه ی بسیار خوبی است. من مطالبی را عرض می کنم؛ اگر بعد آقایان افاداتی داشتند، من آماده ام استفاده کنم.

این کار و تجلیل از مرحوم شهید آیه الله مطهری (رضوان الله تعالی علیه) بلاشک یکی از حسنات صدا و سیماست. ایشان حق بزرگی دارند و این کار بخشی از حق شناسی یی است که وظیفه ی همه ی ماست. البته در همایشها و تجلیل هایی که به این صورت انجام می گیرد، بحثهای جانبی مفیدی هم می شود - بحثهای علمی و فلسفی و غیره - که آنها هم مغتنم است؛ لیکن به نظر من محور اصلی در گردهمایی شما باید اولاً شخصیت فکری و هویت روشنفکری مرحوم مطهری و نقش او در جریان فکری و روشنفکری اسلامی در کشور باشد - که این بسیار مهم است - ثانیاً تلاش شود این جریان تداوم پیدا کند و متوقف نشود؛ چون ما همیشه به مطهری نیاز داریم. در شخص شهید مطهری نمی شود متوقف شد. بر پایه ی پیشرفتهای فکری و نوآوری های او باید جامعه و مجموعه ی فکری اسلامی ما به نوآوری های دیگری دست پیدا کند. ما احتیاج داریم مطهری هایی برای دهه ی 80 و 90 داشته باشیم؛ چون نیازهای فکری روزبه روز و نوبه نو وجود دارد. درباره ی هویت فکری و روشنفکری شهید مطهری و نقشی که این مرد بزرگ در زمان خود ایفا کرد، به نظر من تاکنون تعریف جامعی ارائه نشده است. البته روی کتابهای ایشان کار شده - کارهای شایسته یی هم انجام گرفته - لیکن باید کاری را که مرحوم شهید مطهری در سالهای دهه ی 40 و 50 در محیط فکری این کشور انجام داد، شناخت. ایشان با قوت فکری و اندیشه ی قوی و صائب خود وارد میدان هایی شد که تا آن وقت هیچ کس در زمینه ی مسائل اسلامی وارد این میدان ها نشده بود؛ و با تفکراتی که آن روز در کشور رایج شده بود - افکار وارداتی ترجمه یی غربی و شرقی - یا می رفت رایج شود، خود را وارد یک چالش علمی عمیق و وسیع و تمام نشدنی کرد. ایشان، هم در جبهه ی مقابله یی با مارکسیست ها به یک جهاد بسیار هوشمندانه دست زد، و هم در جبهه ی مقابله یی با تفکرات غربی و لیبرالیست ها وارد میدان شد. این نقش، بسیار مهم است؛ هم جرأت و اعتماد به نفس لازم می خواهد، هم قدرت فکری و اجتهاد در زمینه های گوناگون را لازم دارد، هم یقین و ایمان قاطع می خواهد؛ این مرد بزرگ همه ی اینها را با هم داشت؛ هم عالم بود، هم بسیار مؤمن بود، هم به ایمان خود یقین داشت، و هم اعتماد به نفس داشت؛ اینها لازم است. در سابقه ی تاریخی ما افکار وارداتی وجود دارد؛ منتها نه با این وسعت، با این شیوع و با این امکان تأثیرگذاری. تاریخ ما از این گونه رگه های فکری ناسالمی که وارد تفکرات علمی ما شده - چه در فقه ما، چه در فلسفه ی ما، چه در کلام ما - پُر است؛ لیکن در دوره ی جدید که ارتباطات گسترش پیدا کرد، حرفهای نوبه نو - با جاذبه هایی که به طور طبیعی دارد - مرتباً وارد فضای فکری جامعه شد و به یک مواجهه ی صحیح و علمی ایجاد نیاز کرد. ما در میدان بودیم و می دیدیم؛ بعضی از مواجهه هایی که آن وقت صورت می گرفت، علمی نبود؛ مقابله ی متعصبانه و از روی اعتقاد بود؛ اما نخوانده و نفهمیده، حرفی را رد می کردند؛ نمی دانستند چیست؛ گوشه یی از یک حرف وسیع را می گرفتند و آن را مشمول جنگ خودشان قرار می دادند و با آن درمی افتادند و مقابله می کردند. این، تحجر و توقف و مقابله ی غیرعلمی را تداعی می کرد. یک عده تحت تأثیر جاذبه های افکار نو و وارداتی، مجذوب اینها می شدند و سعی می کردند اسلام و فکر اسلامی و دین را با اینها تطبیق کنند؛ منتی هم سر دین می گذاشتند که ما اسلام را جوان پسند و مردمی و قابل قبول کرده ایم! گاهی اوقات کاسه یی از آش داغ تر هم می شدند و چند قدم هم جلوتر از صاحبان این فکرها پیش می رفتند، برای این که نبادا متهم به مرتجع بودن و این حرفها شوند که این را هم ما در مواردی دیدیم. نبوت و توحید و معاد و مباحث امامت و مباحث فقهی و مباحث اجتماعی و سیاسی اسلام را به سمت مشابهات خودش در مکاتب بیگانه یی از اسلام و احیاناً الحادی و بکلی بیگانه یی از دین کشاندند و منت هم سر اسلام می گذاشتند که ما آمدیم اسلام را همه کس فهم و همه کس پسند و در چشمها شیرین کردیم! این هم یک انحراف دیگر بود؛ هر



دوی اینها انحراف بود. هنر شهید مطهری در آن دوران این بود که با قدرت اجتهاد و باانصاف و ادب علمی - چه در زمینه ی علوم نقلی، چه در زمینه ی علوم عقلی - وسط میدان ایستاد و با این افکار گلاویز شد و آنچه را که تفکر اسلامی بود، روشن، ناب و بی شائبه وسط گذاشت. علیه او خیلی هم حرف زدند و خیلی هم کار کردند؛ اما ایشان این کار را انجام داد. در جریان روشنفکری، این نقش بسیار مهمی است؛ و این شد پایه ی تفکرات بعدی جامعه ی ما. بنده اعتقاد راسخ دارم و بارها هم گفته ام که جریان فکری اسلامی انقلاب و نظام اسلامی ما در بخش عمده یی متکی به تفکرات شهید مطهری است؛ یعنی آنها پایه ها و مایه های اسلامی یی است که ما در تفکرات اسلامی از آنها بهره بردیم و به نظام اسلامی منتهی شد؛ لذا در همان روزگار هم افکار شهید مطهری جایگاه امنی بود برای جوانهای طالب و عاشق فکر اسلامی که در زیر بمباران شدید تفکرات بیگانه قرار می گرفتند؛ مارکسیست ها یک طور، غربگراها یک طور؛ هم در دانشگاه ها وجود داشت، هم در محیط بیرون از دانشگاه ها، و هم حتی در حوزه های علمیه. شهید مطهری یک سنگر و یک مأمن برای این افراد شد تا بتوانند خود را زیر سایه ی این تفکر عمیق و مستحکم حفظ کنند؛ هم دین خود را حفظ کنند، هم بتوانند دفاع کنند و حرف نو داشته باشند. البته مرحوم مطهری دایره ی کارش به حسب ظاهر کوچک بود. همین جلساتی که آقای لاریجانی اشاره کردند، جلسات کوچکی بود؛ این گوشه، آن گوشه، کلاس درس فلان دانشکده بود؛ حداکثرش مثلاً جلسه یی بود در فلان جا با چند صد نفر آدم؛ اما خود ایشان هم یقیناً پیش بینی نمی کرد که این جلسات کوچک چه آثار بزرگی باقی خواهد گذاشت. این، جایگاه شهید مطهری است؛ این جایگاه باید درست شناخته و تعریف شود و موارد و مصادیق آن روشن گردد؛ اینها باید بیان شود. اگر درباره ی متفکران اسلامی، علما و فقهامان این نکته را در نظر بگیریم؛ مثلاً ببینیم نقش ملاصدرا در آن زمان چه بود؛ شخصیت او را محور اصلی هویت علمی او تبیین کنیم، خوب و تأثیرگذار است. البته شیوه های هنری جای خود را دارد. به عقیده ی من، ما در زمینه ی شیوه های هنری هنوز مهارت و زبردستی لازم را پیدا نکرده ایم تا بتوانیم کاری که می خواهیم، بکنیم. چهره های علمی ما که گاهی در فیلمها و سریالها ظاهر می شوند، نمی توانند آن انطباع و انعکاس را در ذهن بینندگان و مخاطبان خود پیدا کنند که آشنایان با این چهره ها به آن اعتقاد دارند؛ غالباً چیز دیگری از آب درمی آید، که باید در زمینه ی کار هنری هم دقت بیشتری صورت بگیرد. بنابراین نقش شهید مطهری باید آشکار شود. شهید مطهری پهلوان میدانی بود که کسی وارد آن نشده بود.

نکته ی دوم که خوب است روی آن فکر شود، تداوم این جریان است. ما که نمی توانیم در شهید مطهری متوقف شویم. درست است که الان هم بعد از بیست و پنج سال از شهادت این مرد، کتابهای او جزو پرفروش ترین و جذاب ترین و مطلوب ترین کتابها برای نسلهای جویای فکر متین و منطقی اسلام است و الان هم ما واقعاً بدیل و عدیلی برای مجموعه ی کتابهای شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه) نداریم و با این که کارهای خوبی هم شده، بلاشک از لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری و جذابیت و اتقان، هنوز هم در بالاترین سطح قرار دارد؛ لیکن جریان ورود در عرصه ی چالش با افکاری که وارد می شود و نقادی علمی و برخورد صحیح با آنها و تفکیک صحیح از سقیم مواد و اجزاء آنها و تبیین فکر اسلامی در زمینه ی آنها باید ادامه پیدا کند، و این جزو وظایف مهمی است که وجود دارد. همان طور که عرض کردم، ما به مطهری هایی در دهه های آینده احتیاج داریم. بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، فکر اسلامی مورد چالش جدی قرار گرفته است؛ بعد از این هم بلاشک چالشهای جدیدی را روزه روز برای آن به وجود می آورند؛ رها که نمی کنند. ما باید در این جا خود را آماده کنیم، و می توانیم. سرمایه ی غنی و تمام نشدنی یی که امروز از فرهنگ اسلامی در اختیار ماست، در این مصاف امکانات خیلی فراوانی در اختیار ما می گذارد؛ اگر ما اهل استفاده ی از اینها باشیم. حقیقتاً یک زرادخانه ی عظیم فکری و فرهنگی در اختیار ماست؛ اگر بتوانیم از آن درست استفاده کنیم. امروز خوشبختانه فضلالی جوانی هستند؛ من می بینم. در حوزه ی قم، در تهران، فضلا، علما، افراد صالح، شایسته، از لحاظ علمی، از لحاظ بلند نظری و فکر قوی وجود دارند؛ باید وارد این میدانها شوند و حضور در این میدانها را گسترش دهند. امروز از دوره ی فعالیت مرحوم شهید مطهری - یعنی سالهای دهه ی 40 و 50 - نیاز ما بمراتب بیشتر است. آن روز نیاز ما یک طور بود، امروز نیاز ما بسیار وسیع تر و عمیق تر است و لازم است این جریان ادامه پیدا کند. گردهمایی و بزرگداشت شهید مطهری را به این سمت ها بکشانید که کسانی تشویق بشوند



وارد این میدانها شوند و برای مواجهه ی با امواج تبلیغاتی جدید وارداتی در همه ی زمینه ها آماده شوند ؛ در زمینه ی فلسفه، در زمینه ی کلام، در زمینه ی مسائل گوناگون کشور که با مباحث اسلامی سروکار دارد. امیدواریم خدای متعال همه ی ما را موفق بدارد تا حق عظیم این شهید بزرگوار را بجا بیاوریم. من يك وقت ديگر هم شايد به عزيزان خانواده ی مکرم ایشان که به مناسبت سالگرد، این جا خدمتشان رسیده بودیم، گفتم ترتیبی داده شود که کتابهای ایشان مثل کتابهای سطح در حوزه های علمیه، حتماً خوانده شود. بنده از چیزهایی که برای صاحبان فکر و کسانی که می خواهند افکار اسلامی را برای مردم بیان کنند - مبلغان دینی، اهل منبر، سخنگویان دینی - واقعاً لازم می دانم، این است که يك دوره کتابهای مرحوم مطهری را بخوانند. شیوه یی پیدا کنید که این کتابها خوانده شود ؛ هم در کتابهای درسی بیاید، هم در دانشگاه ها بیاید. خوشبختانه کتابهای ایشان سهل التناول است ؛ یعنی نگارش خیلی شیرین و خوبی دارد. قلم ایشان از بیانشان خیلی بهتر بود. ایشان می گفتند من از شنیدن سخنرانیهای خودم اصلاً خوشم نمی آید ؛ اما نوشته های خودم را که می خوانم، خوشم می آید. بنده هم البته در این زمینه ؛ حق را به ایشان می دادم ؛ سخنرانی ایشان آنقدر جذاب نبود که نوشته ی ایشان. نوشته های ایشان حقیقتاً خیلی شیرین، روان و شیواست ؛ لذا هرچه بیشتر اینها باید گسترش پیدا کند. علما و فضلا و جوانها - بخصوص طلاب جوان ما - باید يك دوره کتابهای شهید مطهری را خوانده باشند ؛ که اگر می خواهند کاری بکنند، «من بنی فوق بناء السلفی» باشد ؛ یعنی بر اساس آن فکر و روی شانه های شهید مطهری بروند ان شاءالله قله های بالاتری را فتح کنند و پرچم فکر اسلامی را به آن جاها بزنند. ان شاءالله موفق و مؤید باشید. از زیارت شما آقایان خیلی خوشحال شدیم. آماده هستیم اگر بیاناتی بفرمایید، استفاده کنیم.